

جلسه ۸، تثنیه ۱۶ - اعیاد

دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۸، تثنیه ۱۶، ضیافت‌ها است.

### مقدمه: اهمیت غذا

ما فصل ۱۶ کتاب تثنیه را شروع می‌کنیم، به این معنی که می‌توانیم در مورد غذا صحبت کنیم، که یکی از موضوعات مورد علاقه من است. من عاشق این موضوع هستم. فکر می‌کنم غذا فوق‌العاده است. من قبل از مطالعه کتاب مقدس، در یک شغل سابق سرآشپز بودم. من از خانواده‌ای هستم که عاشق صحبت در مورد غذا هستند. بنابراین، گاهی اوقات صبح از خواب بیدار می‌شویم، تصمیم می‌گیریم که برای شام چه بخوریم، و سپس به عقب برمی‌گردیم تا بدانیم برای صبحانه چه بخوریم تا برای شام آماده باشیم. بنابراین، غذا بخش پر جنب و جوشی از مکالمه ماست، و شرط می‌بندم که احتمالاً در مورد شما هم همینطور است. همه ما، صرف نظر از ملیت شما، غذایی داریم که با روح ما صحبت می‌کند. ما غذایی داریم که وقتی بیشترین دل‌تنگی را داریم می‌خواهیم این کاسه رشته فرنگی را بخوریم، یا می‌خواهیم لازانیای مادر را بخوریم. یا می‌خواهیم استیک برادرم را روی گریل بخوریم. چیزی وجود دارد که با آن صحبت می‌کند. این به تغذیه اولیه ما برمی‌گردد. بنابراین، غذا می‌تواند بسیار قدرتمند باشد. غذا مانند مکان است. غذاها می‌توانند خاطراتی را برای ما زنده کنند.

خب، شرط می‌بندم اگر قرار باشد دور یک میز با شما بنشینم و از شما در مورد آخرین مهمانی که در خانه‌تان داشتید بپرسم، چه چیزی را جشن گرفتید؟ چه کسی آنجاست؟ آیا مادران غذای مخصوصش را آورده است؟ آیا برادران به خاطر پای گیلانش معروف است؟ چه کسی چه چیزی آورده است؟ و چه داستانی در آن نهفته است؟ چون تقریباً همیشه، وقتی افرادی را دور میز خود دارم، می‌توانم آنها را وادار کنم در مورد تاریخچه خانوادگی و خاطراتی که با غذایی که می‌خورند مرتبط می‌دانند، صحبت کنند.

حتی در کتاب تثنیه، ما می‌توانیم در مورد همه اینها فکر کنیم و به استراتژی پشت آن فکر کنیم. بنابراین، غذا قدرتمند است و خاطرات را در خود جای داده است.

حالا، من اینجا یک عکس دارم. در واقع، این غذایی بود که همین چند هفته پیش خوردم. می‌توانم به این عکس نگاه کنم. دقیقاً می‌دانم کجا بودم. دقیقاً می‌دانم چه کسی روبروی من نشسته بود وقتی که جشن می‌گرفتیم.

و همچنین اثرات باقی‌مانده از آن جشن را می‌دانم. ما چند روز بعد در مورد آن غذا صحبت کردیم. بنابراین، غذا ظرفی از خاطرات است و ما قصد داریم از این موضوع هنگام بررسی تثنیه ۱۶ استفاده کنیم.

### اعیاد و پادشاهان خاور نزدیک باستان در مقایسه با اعیاد اسرائیل

بنابراین، تثنیه ۱۶ فهرستی از جشن‌هایی را که بنی‌اسرائیل پس از ورود به سرزمین موعود باید از آنها لذت ببرند، به ما ارائه می‌دهد. حال باید کمی در اینجا به زمینه‌سازی بپردازیم زیرا در خاور نزدیک باستان برگزاری جشن‌ها غیرمعمول نبود. اما اگر جشنی دارید که در آن یک ملت گرد هم می‌آیند یا نوعی جشن ملی است، تأکید همیشه بر پادشاه است. پادشاه نماینده خدایان بود و پادشاه سر سفره خودش بود. او ثروتمندترین افراد را برای نشستن سر سفره پادشاه با خود می‌آورد و شاید افراد دیگری هم بتوانند در جشن شرکت کنند، اما باید از پادشاه دور می‌بودند. بنابراین، او افرادی را که می‌خواهد دور سفره‌اش باشند، انتخاب کرده است. و در طول آن جشن، که ممکن است چندین روز طول بکشد، اما آن جشن به فرصتی برای توزیع مجدد ثروت، انجام معاملات تجاری، عشق ورزیدن و پرستش پادشاه تبدیل می‌شود. بنابراین، همه چیز بر قدرت و نفوذ پادشاه متمرکز است.

این برای بنی‌اسرائیل صدق نخواهد کرد. برای بنی‌اسرائیل، این موضوع دوباره به برادری، کل ملت، و به یاد داشتن اینکه خدا، خدای آنها و تنها خداست، تبدیل می‌شود.

### اعیاد و خاطره

بنابراین، برای این کار، ما قصد داریم به جشن گرفتن به عنوان راهی برای یادآوری اعمال خدا نگاه کنیم. و قصد داریم در مورد اینکه چگونه تثنیه این اعیاد را متمرکز می‌کند، فکر کنیم. بنابراین، تثنیه از مکان انتخاب شده به عنوان مکانی برای گرد هم آوردن همه مردم استفاده خواهد کرد تا به یاد بیاورند که خدای آنها کیست و آنها به عنوان قوم خدا چه کسانی هستند.

### اعیاد و تقویم کشاورزی

تثنیه همچنین قرار است این جشن را به تقویم کشاورزی مرتبط کند. بنابراین، با من به فصل ۱۶ تثنیه بروید. و در حالی که این کار را انجام می‌دهیم، تقویم کشاورزی را که قبلاً در سخنرانی قبلی به آن پرداختیم، دوباره روی صفحه نمایش می‌دهم.

خب، ما در مورد فصل بارانی، فصل خشک صحبت کردیم. در مورد فعالیت‌هایی که کشاورز در طول این تقویم کشاورزی انجام می‌دهد صحبت کردیم.

بنابراین، با در نظر گرفتن این موضوع، شروع به خواندن فصل ۱۶ می‌کنم. بنابراین، می‌گوید: «ماه آویو را گرامی بدارید و عید فصیح را برای خداوند، خدای خود جشن بگیرید. زیرا در ماه آویو، خداوند، خدای شما، شما را شبانه از مصر بیرون آورد. عید فصیح را از گله و رمه برای خداوند، خدای خود، در مکانی که خداوند برای تثبیت نام خود برمی‌گزیند، قربانی کنید. با آن نان خمیرمایه‌دار نخورید. هفت روز با آن نان فطیر، نان رنج، بخورید، زیرا با عجله از سرزمین مصر بیرون آمدید تا تمام روزهای زندگی خود، روزی را که از سرزمین مصر بیرون آمدید، به یاد آورید. به مدت هفت روز، هیچ خمیرمایه‌ای در تمام قلمرو شما دیده نشود و هیچ گوشتی که در عصر روز اول قربانی می‌کنید، تا صبح روز بعد باقی نماند.»

### عید فصیح و نان فطیر

این [موضوع] همچنان ادامه دارد و اساساً برخی از قوانین عید فصیح و نان فطیر را ارائه می‌دهد. حال، ایده عید فصیح، ما ابتدا در کتاب خروج با آن آشنا شدیم. در واقع، هر یک از این سه عیدی که قرار است در اینجا در تثبیه در مورد آنها صحبت کنیم، در خروج، اعداد، لاویان و تثبیه ذکر شده‌اند. همه آنها اعیاد را به روش‌های کمی متفاوت توضیح می‌دهند. به عبارت دیگر، این یک نقل قول کلمه به کلمه از یکدیگر نیست، اما آنها حاوی خاطره یکسانی هستند. بنابراین در اینجا در تثبیه، عید فصیح و عید نان فطیر را داریم. به نظر می‌رسد که آنها با هم مرتبط هستند. اگرچه، کاملاً مشخص است که عید فصیح، غذایی است که خورده شده است، و هر حیوانی که برای آن غذا قربانی شده است، و گوشت آن در آن شب مصرف می‌شود.

و بعد، به مدت هفت روز، نان فطیر داریم تا مصر را به یاد بیاوریم و مصر را ترک کنیم. حالا ماه آویو، این به چه معناست؟ خب، ماه آویو، منظورم ماه‌های بنی‌اسرائیل است، دقیقاً همان ماه‌هایی نیستند که تقویم امروزی ما آنها را تعیین می‌کند. این یک تقویم قمری است نه یک تقویم خورشیدی. بنابراین، تاریخ‌ها کمی، تغییر می‌کنند. ما قوانین دیگری در مورد عید فصیح پیدا می‌کنیم، و اگر داستان خروج را بخوانید، در مصر مردم تازه آماده برداشت جو می‌شدند. و در برخی دیگر از نامگذاری‌ها برای زمان آویو، زمانی است که شما جو را برداشت می‌کنید. بنابراین، اگر به تقویم کشاورزی خود نگاه کنیم، وقتی جو برداشت می‌شود، اولین محصولی است که از زمین بیرون می‌آید. جو در ماه مارس یا آوریل برداشت می‌شود. بنابراین، در پایان برداشت جو، جایی در همین ماه مارس و آوریل، این اولین جشنواره ماست. بنابراین، اولین جشنواره ما با اولین محصولی است که از زمین بیرون می‌آید، همراه است.

## جشن هفته‌ها

بنابراین، در آیه ۹، در مورد دومین عید آمده است: «برای خود هفت هفته بشمار، و از زمانی که شروع به گذاشتن داس برای کشت گندم می‌کنید، شروع به شمردن هفت هفته کنید.» سپس عید هفته‌ها را برای خداوند، خدای خود، با هدیه‌ای داوطلبانه از دست خود، که باید همانطور که خداوند، خدای شما، شما را برکت می‌دهد، تقدیم کنید، جشن بگیرید. و شما، پسران، دختران، غلامان و کنیزانتان، لای که در شهر شماست، و غریب (گر)، و یتیم و بیوه زنی که در میان شماست، در مکانی که خداوند، خدای شما برای تثبیت نام خود انتخاب می‌کند، در حضور خداوند، خدای خود شادی خواهید کرد. به یاد داشته باشید که در مصر برده بودید، و باید مراقب باشید که این قوانین را رعایت کنید.

بنابراین، پس از جشن گرفتن عید فصیح و جشن هفته‌ها، هفت هفته برای شمردن دارید و این تقریباً شما را به محدوده زمانی ماه مه می‌رساند، که به معنای نزدیک شدن به پایان برداشت گندم است، شما جشن هفته‌ها را جشن می‌گیرید. و در تنبیه، این یک جشن کاملاً کشاورزی است. اکنون تمام غلات خود، تمام محصولات غلات خود را برداشت کرده‌اید. اکنون فعالیت‌های دیگری در مزرعه برای رسیدگی به میوه‌های تابستانی خواهید داشت. اما تمام غلات برداشت شده‌اند.

- توجه داشته باشید که در عید هفته‌ها درباره اینکه چه کسی دعوت شده است تا بیاید صحبت می‌شود همه. و همه به مکان انتخاب شده می‌روند، مکانی که خدا برای قرار دادن نام خود انتخاب کرده است. آنجا جایی است که آنها به عنوان یک جامعه دور هم جمع می‌شوند تا به یاد بیاورند که خدا آنها را از خانه بردگی رهایی بخشید تا اکنون بتوانند از زمین خود برداشت کنند.

## جشن غرفه‌ها

یک جشن سوم هم وجود دارد. بنابراین، در آیه ۱۳ آمده است: «هفت روز پس از آنکه خرمن و خمره، شراب خود را جمع کردید، عید خیمه‌ها را جشن بگیرید. و در اعیاد خود شادی کنید، شما، پسران، دختران، غلامان و کنیزانتان، و لایان، غریبان، یتیم‌ها و بیوه‌زانی که در شهرهای شما هستند. هفت روز، در مکانی که خداوند برمی‌گزیند، برای خداوند، خدای خود جشن بگیرید، زیرا خداوند، خدای شما، شما و تمام محصولات شما.» و تمام کارهای دست شما را برکت خواهد داد تا کاملاً شاد باشید.

بنابراین، این سومین عید زمانی است که شما برداشت همه چیز را تمام کرده‌اید. پس، خرمن‌کوب تمیز شده است، خمره‌های شراب تمیز شده‌اند. این زمانی است که شما عید خیمه‌ها را جشن می‌گیرید. بنابراین، این درست در پایان برداشت زیتون خواهد بود. این محصول نهایی است، آخرین محصولی که از زمین خارج

می‌شود. و در این زمان، وقتی هر آنچه را که زمین باید به شما بدهد برداشت کرده‌اید، اکنون، عید خیمه‌ها را جشن می‌گیرید.

حال، تثنیه آن را «غرفه‌ها» می‌نامد، که یک محرک حافظه است. این کار ذهن و توجه شما را به سرگردانی در بیابان باز می‌گرداند. ما در فصل ۶ نیز در مورد این موضوع صحبت کردیم، زمانی که آنها در بیابان سرگردان بودند، خدا هر آنچه را که نیاز داشتند برایشان فراهم کرد. صندل‌هایشان پاره نشد و آب و غذای مورد نیازشان را داشتند. بنابراین، در پایان تقویم کشاورزی خود، آنها جشن دیگری دارند که در آن به یاد می‌آورند، درست همانطور که خدا برای اجدادشان در بیابان فراهم کرد، خدا برای آنها در اینجا در این سرزمین نیز فراهم کرده است.

خب، آخرین بخش تثنیه و دوباره، عید خیمه‌ها، آیا تشخیص دادید، آیا شنیدید؟ از همه دعوت می‌شود که در آن شرکت کنند.

فقرا چه می‌دهند؟

بنابراین، در آیه ۱۶ آمده است: «سه بار در سال، همه مردان شما در عید فطیر، عید هفته‌ها و عید خیمه‌ها در مکانی که خداوند خدایتان انتخاب می‌کند، حاضر شوند. و آنها نباید دست خالی به حضور خداوند حاضر شوند. هر کس به اندازه توان خود، مطابق برکتی که خداوند خدایتان به شما داده است، هدیه دهد».

این بخش ضیافت را به پایان می‌رساند. حالا سوال من این است که در مورد اینکه چرا در طول این بخش تکرار کرده‌ایم که همه می‌توانند شرکت کنند، حتی پدر، مادر، حتی یتیم، حتی بیوه زن؟ آنها چه چیزی را به حضور خداوند می‌آورند؟ اما اگر همه بتوانند در این امر شرکت کنند، اگر شما صاحب زمین نباشید چه؟ چه چیزی برای دادن دارید؟ کمی شبیه این است که خدا سر سفره نشسته باشد، مانند پادشاهی که از افرادی که می‌خواهد دعوت می‌کند. می‌توانید بگویید که می‌تواند آن تصویر را داشته باشد، اما این چیزی نیست که تثنیه می‌گوید. تثنیه می‌گوید خدا پادشاه شماست، بله. خدا کسی است که برای شما روزی فراهم می‌کند، بله. به عبارت دیگر، این ضیافت سر سفره خدا اتفاق می‌افتد. خدا مردم را دعوت می‌کند، اما همه می‌توانند بیایند، نه فقط صاحبان زمین.

**بازگویی داستان**

بنابراین، بیایید فقط برای لحظه‌ای به این فکر کنیم که این سال کشاورزی، یا بهتر است بگوییم در واقع قبل از اینکه به بخش دیگری از تثنیه برویم، چگونه خواهد بود. اگر به آنچه مردم در طول سال جشن می‌گیرند

توجه کنید، هر سال کشاورزی، آنها جشن می‌گیرند که خدا و فرعون رو در رو شدند و خدا پیروز شد. خدا قوم خود را از یک جامعه ستمگر بیرون کشید. خدا به آنها سرزمینی داده است که برای آنها غذا تولید می‌کند و آنها از آن سود می‌برند. خدا در طول سال هر آنچه را که برای زنده ماندن در طول سال نیاز دارند، از زمین فراهم کرده است. همانطور که خدا برای اجداد فراهم کرد، امسال نیز برای آنها فراهم کرده است.

بنابراین، در طول هر سال، بنی‌اسرائیل داستان هویت خود و خروجشان از ظلم و ستم به سرزمینی را که خداوند تورات و قوانین خود را به آنها داده است تا بتوانند در آن سرزمین شکوفا شوند، بازگو کرده‌اند.

نه تنها این، بلکه خود زمین به یک محرک حافظه تبدیل می‌شود، زیرا به محض اینکه جو آماده برداشت می‌شود، جو و عمل برداشت جو، به خودی خود، مردم را به یاد آن می‌اندازد. بسیار خب، هر سال در این زمان، وقتی هوا این‌طور است، وقتی من در این فعالیت خاص شرکت می‌کنم، به یاد می‌آورم که خدا کیست هر سال وقتی گندم را تمام می‌کنم، این چیزی است که به یاد می‌آورم. هر سال، در پایان برداشت زیتون یک مهمانی بزرگ برگزار می‌شود، زیرا ما این واقعت را جشن می‌گیریم که در سرزمین خودمان هستیم و این خداست که همه این محصول را به ما داده است. بنابراین، خود زمین به یادآوری مردم کمک می‌کند.

#### فقرا چه می‌کنند؟ تدارکات برای فقرا (تثنیه ۲۴)

بنابراین، دوباره، این برای افرادی که زمین ندارند مشکل ایجاد می‌کند. فقرا چه می‌کنند؟ آیا آنها از این جشنواره‌ها کنار گذاشته می‌شوند؟ آیا نمی‌توانند در آنها شرکت کنند؟ آیا زمین به آنها کمک نمی‌کند که به یاد بیاورند؟ اینجاست که اگر شروع به ترکیب این ایده، جشنواره‌های مرتبط با تقویم و خاطرات مرتبط با جشنواره‌ها کنیم، جالب می‌شود. و اگر به قوانین کشاورزی که ممکن است تصادفی به نظر برسند نگاه کنیم.

بنابراین، اگر قرار است تثنیه ۲۴ را بخوانیم، با من به تثنیه فصل ۲۴، آیات ۱۹ تا ۲۱ مراجعه کنید. بنابراین، در آیه ۱۹، آمده است: «چون محصول خود را در مزرعه خود درو کردی و باقه‌ای را در مزرعه فراموش کردی، برای برداشتن آن برنگرد. این برای غریب، یتیم و بیوه خواهد بود تا خداوند، خدای تو، تو و حاصل دستانت را برکت دهد. وقتی درخت زیتون خود را تکان می‌دهی، دیگر از کمان عبور نکن. این برای غریب، یتیم و بیوه خواهد بود. وقتی انگورهای تاکستان خود را می‌چینی، دیگر از آن عبور نکن. این برای غریب، یتیم و بیوه خواهد بود. باید به یاد داشته باشی که در سرزمین مصر برده بودی. بنابراین، من به تو «دستور می‌دهم که این کار را انجام دهی»

بنابراین، اگر این قوانین را بیرون بکشیم و بگوییم قوانین کشاورزی وجود دارند که نه تنها برای تأمین عزت و کرامت افراد فقیر وضع شده‌اند، بلکه برای اینکه یتیم، بیوه و خارجی بتوانند از طریق آنها بیایند و کار

کنند و زندگی خود را تأمین کنند، بلکه برای این کار عزت و کرامت وجود دارد و از طرف صاحب زمین سخاوتمندی وجود دارد. و یک خود-اصلاحی لازم است. به عبارت دیگر، صاحب مزرعه نمی‌تواند هر آنچه را که می‌تواند برداشت کند، تا عمق آنچه مزرعه می‌تواند به او بدهد، غارت کند. او هر چه می‌تواند برمی‌دارد و سپس آن مقدار اندک حاشیه سود اضافی برای فقرا، یتیم‌ها و بیوه‌ها باقی می‌ماند.

با این حال، این نکته‌ی دیگری را بیان می‌کند، زیرا همانطور که آن آیات را می‌خواندم، متوجه شده‌اید که آنها قوانینی مربوط به غلات، میوه‌های تابستانی و برداشت نهایی زیتون بودند.

پس بگذارید فقرا از گوشه و کنار مزرعه برداشت کنند. و حالا، وقتی همه در مکان انتخاب شده برای جشن عید فصح جمع می‌شوند، هر کسی چیزی برای آوردن دارد.

بگذارید آنها به جشن هفته‌ها بیایند. اکنون آنها گندمی هم دارند که می‌توانند بیاورند. ممکن است بسیار کوچک باشد، و نذری یک زمین‌دار ممکن است بسیار بزرگ باشد، اما آنها چیزی دارند. به عبارت دیگر زمین، هر برداشت جو و هر برداشت گندم اکنون حتی خاطره مردم حاشیه جامعه را نیز زنده می‌کند. در مورد برداشت زیتون نیز همین اتفاق می‌افتد. پس زیتون‌ها را روی درختان بگذارید، بگذارید از میان آنها عبور کنند و زیتون‌ها را برداشت کنند. و اکنون، همانطور که کل جامعه آماده می‌شود تا در این جشن بزرگ و عظیم شرکت کند تا تمام آنچه خدا داده است را جشن بگیرد، حتی فقرا نیز فرصتی برای مشارکت در آن دارند.

### نکات پایانی در مورد اعیاد

حالا، چند نکته‌ی پایانی، وقتی به تثنیه ۱۶ نگاه می‌کنیم و به جشن گرفتن و هویت و داستان‌سرایی که تثنیه به مردم می‌گوید انجام دهند فکر می‌کنیم. مردم فقط به این دلیل از برداشت محصول بهره‌مند می‌شوند که خدا آنها را از مصر نجات داده است. ما دوباره آن را دیدیم. همه می‌توانند در آن شرکت کنند، مرد، زن، برده، زمین‌دار، لایوانی که زمین یا ارثی برای خود نداشتند. بنابراین، همه می‌توانند بیایند.

و ما می‌بینیم که خداوند کسی است که در رأس سفره می‌نشیند و به وفور برای همه روزی فراهم می‌کند. خداوند از قوم خود می‌خواهد که به گونه‌ای عمل کنند که همه با او سر یک سفره جمع شوند.

این موضوع همچنین بسیار جالب است وقتی به این واقعیت فکر می‌کنیم که تثنیه همه این جشنواره‌ها را متمرکز می‌کند. بنابراین، همه برای برگزاری این جشنواره‌ها به مکان انتخاب شده می‌روند. زیرا یک چیز دیگر هم که در آن وجود دارد این است که شهرهایی در همه جا پراکنده هستند، افرادی در دشت ساحلی هستند، افرادی در مناطق کوهستانی کشاورز هستند، افرادی در جنوب هستند. همه میزان متفاوتی از باران را دریافت می‌کنند.

همه آنها زمینه‌های مختلفی برای زندگی روزمره دارند، و با این حال همه شهرها و روستاهای خود را برای رفتن ترک می‌کنند. به یاد داشته باشید، آنها یک گروه قومی هستند که داستان یکسانی در مورد اینکه خدایشان کیست، دارند.

همچنین مردم را از بافتی که به آنها هویت می‌دهد، بیرون می‌کند. اغلب، مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم به ما هویتی در کنار افراد دیگر اطرافمان می‌دهند. ما توسط جامعه‌مان شناخته می‌شویم. بنابراین زمین‌داران ثروتمند، زمین‌داران نه چندان موفق، یتیمانی که در حال بزرگ شدن هستند، و با این حال، وقتی همه شهرها و روستاهای خود را ترک می‌کنند و به مکان انتخاب شده می‌روند، همه در برابر خدا برابرند. و بنابراین، دوباره، آنها کلیشه‌هایی را که دیگران در مورد آنها قضاوت کرده‌اند، پشت سر می‌گذارند تا فرصتی برای گفتن داشته باشند، من به این داستان تعلق دارم. این خدا، خدای من نیز هست. و خدای من راهی را برای من فراهم کرده است تا بیایم و با او جشن بگیرم و جشن بگیرم.

و سپس، هر سال، مردم داستان خود را در برابر خدا تکرار می‌کنند. آنها بر سر سفره او می‌آیند و از سفره او می‌خورند، و می‌دانند که این رزق و روزی اوست که از جانب او برای آنها فراهم شده است.

در درس بعدی، به بقیه فصل‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ خواهیم پرداخت تا درباره رهبری بنی‌اسرائیل صحبت کنیم.

این دکتر سینتیا پارکر است که در حال تدریس در مورد کتاب تثنیه است. این جلسه ۸، تثنیه ۱۶، اعیاد است.